

خبر

قتل خواهر و خواهرزاده به خاطر آن پدری

■ ایستنا: مردی که خواهر و خواهرزاده‌اش را به خاطر آنکه پدری به قتل رسانده است، خود را تسلیم پلیس کرد.
سر هنگ شمس، رییس کلانتری انقلاب در باره جزییات این حادثه گفت: روز یکشنبه وقوع دو قتل در یک واحد مسکونی واقع در خیابان آزادی به کلانتری گزارش شد. زمانی که مأموران در محل حادثه حضور یافتند با اجساد یک زن حدود ۴۰ ساله و یک پسر بچه چهار ساله که بر اثر خفگی به قتل رسیده بودند و جسد زن نیز به نر دهنده‌های اهنی این آشپز خانه بسته شده بود روبه‌رو شدند. شمس ادامه داد: در آغاز تحقیقات مرد ۵۰ ساله به نام علی با حضور در کلانتری تجریش ادعا کرد خواهر و خواهرزاده خود را به قتل رسانده است. با بررسی و صحت این موضوع مشخص شد که این فرد، متهم به قتل همان مادر و دختر است؛ رییس کلانتری انقلاب خاطر نشان کرد: این متهم در بازجویی‌ها با اشاره به اختلاف با خواهرش بر سر ارث پدری گفت، فکر می‌کرد خواهرش می‌خواهد دارای‌های والدین‌شان را تصاحب کند. این مقام انتظامی افزود: پیش از این متهم بارها خواهرش به نام «طاهره» را تهدید به قتل کرده بود، تا اینکه در روز حادثه حدود ساعت ۱۳:۵۵ دقیقه برای اجرا کردن نقشه شوم خود به خانه خواهرش رفت. در زمان حادثه خواهرزاده چهار ساله متهم به نام «دانial» خواب بود که متهم، او را نیز خفه کرد.

یک زن و دو کودک قربانی کودبرداری غیر اصولی



■ ایستنا: مدیر روابط عمومی اورژانس تهران از مرگ سه نفر و مجروح شدن سه نفر دیگر در پی ریزش منزل مسکونی در غرب تهران خبر داد.
حسن عباسی با بیان اینکه آمدادگران اورژانس در ساعت ۹:۴۰ یکشنبه از طریق تماس شهروندان در جریان حادثه‌ای در منطقه بلوار فردوس گفتند: گفتند با توجه به گزارش مردمی آمدادگران با دریافت این خبر با شش دستگاه آمبولانس به منطقه حادثه در خیابان سازمان بر نامه جنوبی واقع در بلوار فردوس اعزام شدند. به گفته وی آمدادگران با حضور در صحنه حادثه با ساختمان فرو ریخته‌ای روبه‌رو شدند که به دلیل گودبرداری غیراصولی دچار ریزش شده بود. عباسی افزود: در این حادثه پنج نفر زیر آوار ساختمان سه طبقه محبوس شده بودند که در عملیات هفت ساعته آمدادگران اورژانس و آتش نشانان دوفرا از افراد گرفتار که مرمانی ۵۴ ساله و ۴۱ ساله بودند، توسط آمدادگران به بیمارستان حضرت رسول (ص) منتقل شدند. به گفته وی یکی از آتش نشانان نیز در هنگام انجام عملیات نجات دچار سانحه شد که توسط آمدادگران به بیمارستان آتیه انتقال یافت.
مدیر روابط عمومی اورژانس تهران گفت: در این حادثه یک زن ۳۵ ساله و دو پسر ششی و هفت ساله به علت گرفتار شدن در زیر آوار جان خود را از دست دادند. تیموری معاون عملیات سازمان آتش نشانی تهران نیز با بیان اینکه ساختمان حادثه دیده که ساختمان قدیمی بود افزود: بر اثر این حادثه شش واحد مسکونی تخریب شده بود که خوشبختانه برخی از ساکنان زمانی که صدای آوار را شنیدند به سرعت خانه‌های خود را ترک کردند.

کلاهبرداری خواستگار قلابی از دختران

■ شرق: مرد شبیادی با همدستی خواهرش به خواستگاری دختران ثروتمند می‌رفت و بعد از کلاهبرداری از آنها ناپدید می‌شد.
به گزارش خبرنگار ما، دختری جوان روز ششم فروردین ماه امسال به دادسرای ناحیه یک تهران رفت و مدعی شد جوانی که تا چند روز قبل خواستگارش بود کلاهبردار از آب در آمده و به بهانه فروش خودرو میلیون‌ها تومان از وی کلاهبرداری کرده است. شاکای در این باره گفت: چند ماه قبل جوانی به نام وحید همراه خواهرش به خواستگاری ام آمد. او ادعا کرد و وضعیت مالی خوبی دارد و پیمانکاری با سابقه است. در حالی که زمان کوتاهی از آشنایی‌مان گذشته بود، او ادعا کرد با پدر یک شرکت معتبر لینگزینگ خودرو آشنایی دارد و می‌تواند با شرایطی آسان بر ایم خودرو بخرد. به این ترتیب من هم مبلغ پنج میلیون تومان به وی دادم و قرار شد چند روز بعد خودرو ام را تحویل بگیرم اما بعد از آن هر چه با او تماس گرفتم به تماس هایم پاسخ نداد. مدتی بعد از این شکایت، زن مطلقه‌ای نیز به دادسرا رفت و با اظهاراتی مشابه شاکای اول مدعی شد، مردی به نام وحید که خواستگار او بود، از او کلاهبرداری کرده است. در چنین شرایطی کارآگاهان با کمک شاکایان چهره فرضی مرد تحت تعقیب را ترسیم کردند. مدتی بعد مأموران به اطلاعاتی درباره مخفیگاه وحید در خیابان پیروزی دست یافتند و او را دستگیر کردند. در جریان بازجویی‌ها از خواستگار کلاهبردار، وی اتهام کلاهبرداری را پذیرفت و گفت: «من راننده ژانسی هستم و در یکی از آژانس‌های شمال شهر کار می‌کنم. از مدتی قبل از طریق حرف‌های سایر رانندگان افراد پولدار و محل زندگی آنان را شناسایی کردم. در ادامه همراه با خواهرم به خواستگاری دختران ثروتمند می‌رفتم و در فرصتی مناسب از آنها کلاهبرداری می‌کردم. سرهنگ علی اکبرپور، رییس پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران بزرگ با اعلام جزئیات این خبر گفت: متهم متاهل و دارای یک فرزند است و تاکنون به ارتکاب سه فقره کلاهبرداری با شیوه اعتراف کرده است.

شرق: ناپدری و مادر هانیه که به اتهام آزار این دختر هشت‌ساله بازداشت شده‌اند، روز گذشته بار دیگر بازجویی شدند و آخرین دفاعیات خود را در برابر باز پرس پرونده مطرح کردند.

به گزارش خبرنگار مسا، این جلسه در حالی برگزار شد که خود هانیه نیز همراه و کیل مدافعش از مرکز بهزیستی به دادسرا منتقل شده بود. حمید، متهم اصلی پرونده صبح دیروز بعد از انتقال از زندان به دادسرای نوجوانان به باز پرس شعبه ۵ گفت: آن روز از حالت عادی خارج شده بودم و نمی‌دانم چرا هانیه را کتک زدم. وضعیت روحی‌ام خیلی بد بود. یادم می‌آید در آن مدت چون هر ووبین خیلی گران شده بود، نمی‌توانستم هزینه آن را تامین کنیم و همراه رفعت مادر هانیه شیشه می‌کشیدیم. کاری که کردم خیلی بد بود و خودم این موضوع را قبول دارم. امیدوارم که هانیه من را ببخشد. او ادامه داد: البته همه سوختگی‌ها هاکر من نبود. کف پای هانیه به دست مادرش سوخته است. او خودش اولین بار این کار را کرد. من تا قبل از آن هیچ وقت هانیه را تنبیه نکرده بودم. یعنی تنبیه‌اش می‌کردم اما نه در این حد که او را بسوزانم. بیشتر مواقع مجبور ش می‌کردم و به دیوار بنشیند یا اجازه نمی‌دادم برنامه کودک تماشا کند. هانیه این‌اواخر خیلی اذیت می‌کرد. با این حال من او را نمی‌زدم. جرات نمی‌کردم جلوی مادرم به هانیه چیزی بگویم، مادرم با من دعوا می‌کرد. ضربه‌هایی به هانیه را پدرش به او زد که دردی از فروشگاه‌ها را به او یاد داد. متهم- در ادامه دفاعیاتش گفت: هانیه به مادرش گفته بود من او را مورد آزار جنسی قرار دادم، در حالی که این کار را نکرده بودم. او از کشوی من پول می‌در دید و به مادرش می‌داد و می‌گفت باید از خانه من بروند. زمستان که تمام شد او به مادرش گفت: می‌خواهد دوباره کار تن خواب شود، برای همین از او خواست خانه من را ترک کنند اما من اجازه ندادم. پدر هانیه او را خیلی بد تربیت کرده و او بچه بسیار بی‌ادبی شده بود. به هر حال من از کرده خودم پشیمان هستم و درخواست دارم هانیه من را ببخشد و دادگاه نیز در مجازات من تخفیف بدهد.»

در ادامه این جلسه مادر هانیه که به معاونت در کودک آزاری متهم شده است، آخرین دفاعیات خود را مطرح کرد و گفت: هانیه دختر من است و من هرگز دوست ندارم او آزار ببیند. در تمام این سال‌ها هایی که هانیه را بزرگ کردم، هر چند معتاد بودم و نمی‌توانستم مادر خوبی برای او باشم، تلاش می‌کردم آسیبی به او وارد نشود. این زن درباره اینکه آیا هانیه آزار آزار داده و او را سوزانده است، گفت: من این کار را نکردم و اصلا چنین چیزی را به یاد نمی‌آورم، البته شاید به شرق: حکم قصاص هر دو چشم مجید - متهم به اسید پاشی به صورت آمنه- در حالی قرار است روز شنبه اجرا شود که وکیل مدافع او از رییس قوه قضاییه در خواست مهلت کرد. به گزارش خبرنگار ما، مجید متهم ۳۰ ساله این پرونده هفت سال قبل به جرم اسیدپاشی به صورت آمنه بهرامی بازداشت و چهار سال قبل محاکمه شد. این جوان توضیح داد: پاسخ منی آمنه به خواستگاری او باعث این اقدامش شد مجید در دادگاه گفت از کرده خود پشیمان است اما آمنه که بیبانی هر دو چشمش را به طور کامل از دست داده است بر قصاص هر دو چشم متهم تاکید کرد و گفت حاضر به بخشش نیست. به این ترتیب، مراحل مقدماتی اجرای حکم طی شد و روز شنبه هفته آینده به عنوان زمان اجرای آن تعیین شده است. مهدی ربانی وکیل مدافع مجید که مراحل قانونی این پرونده را به طور کامل پیگیری کرده است، دیروز به خبرنگار ما گفت: بعد از صدور حکم قصاص هر دو چشم از سوی شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران من به رای صادره اعتراض و در لایحه خود عنوان کردم امکان اجرای حکم وجود ندارد چون ممکن است هنگام اجرای آن آسیب بیشتری از کوری چشم به مجید وار شود و این موضوع از سوی متخصصان پزشکی قانونی هم تأیید شده است با این حال حکم صادره مورد تأیید قرار گرفته. این وکیل دادگستری ادامه داد: بعد از تأیید حکم مطابق بند ۴ و ۵ ماده ۲۷۲ تقاضای اعاده دادرسی دادم و بر ایراد رای مبنی بر اینکه امکان اجرا وجود ندارد تاکید کردم اما باز هم این تقاضا رد و پرونده برای اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادسرای جنایی تهران فرستاده شد. قاضی وقت مجید احکام در این زمینه با ما همکاری کرد و هر بار که آمنه شعبه مراجعه می‌کرد از او می‌خواست از قصاص گذشت کند. با این حال آمنه حاضر به این کار نشد. من و خانواده مجید خیلی سعی کردیم با آمنه در این خصوص صحبت کنیم اما هر بار که تلفن می‌کردیم تا صحبت کنیم این دختر به شدت عصبانی می‌شد؛ البته ما شرایط او را درک نمی‌کنیم و گلائی‌ها را خود نداریم اما می‌کاش آمنه اجازه می‌داد در مورد رضایت با او صحبت کنیم و وی

■ شرق: مرد شبیادی با همدستی خواهرش به خواستگاری دختران ثروتمند می‌رفت و بعد از کلاهبرداری از آنها ناپدید می‌شد.
به گزارش خبرنگار ما، دختری جوان روز ششم فروردین ماه امسال به دادسرای ناحیه یک تهران رفت و مدعی شد جوانی که تا چند روز قبل خواستگارش بود کلاهبردار از آب در آمده و به بهانه فروش خودرو میلیون‌ها تومان از وی کلاهبرداری کرده است. شاکای در این باره گفت: چند ماه قبل جوانی به نام وحید همراه خواهرش به خواستگاری ام آمد. او ادعا کرد و وضعیت مالی خوبی دارد و پیمانکاری با سابقه است. در حالی که زمان کوتاهی از آشنایی‌مان گذشته بود، او ادعا کرد با پدر یک شرکت معتبر لینگزینگ خودرو آشنایی دارد و می‌تواند با شرایطی آسان بر ایم خودرو بخرد. به این ترتیب من هم مبلغ پنج میلیون تومان به وی دادم و قرار شد چند روز بعد خودرو ام را تحویل بگیرم اما بعد از آن هر چه با او تماس گرفتم به تماس هایم پاسخ نداد. مدتی بعد از این شکایت، زن مطلقه‌ای نیز به دادسرا رفت و با اظهاراتی مشابه شاکای اول مدعی شد، مردی به نام وحید که خواستگار او بود، از او کلاهبرداری کرده است. در چنین شرایطی کارآگاهان با کمک شاکایان چهره فرضی مرد تحت تعقیب را ترسیم کردند. مدتی بعد مأموران به اطلاعاتی درباره مخفیگاه وحید در خیابان پیروزی دست یافتند و او را دستگیر کردند. در جریان بازجویی‌ها از خواستگار کلاهبردار، وی اتهام کلاهبرداری را پذیرفت و گفت: «من راننده ژانسی هستم و در یکی از آژانس‌های شمال شهر کار می‌کنم. از مدتی قبل از طریق حرف‌های سایر رانندگان افراد پولدار و محل زندگی آنان را شناسایی کردم. در ادامه همراه با خواهرم به خواستگاری دختران ثروتمند می‌رفتم و در فرصتی مناسب از آنها کلاهبرداری می‌کردم. سرهنگ علی اکبرپور، رییس پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران بزرگ با اعلام جزئیات این خبر گفت: متهم متاهل و دارای یک فرزند است و تاکنون به ارتکاب سه فقره کلاهبرداری با شیوه اعتراف کرده است.

پلیس خبر: یک افسر سابق پلیس در آفریقای جنوبی به اتهام تعرض چندین ساله به دخترش دستگیر شد.
متهم که ساکن منطقه «زانین» به بود پس از ربودن دختر ۲۲ ساله‌اش که نزد مادرش زندگی می‌کرد به او تعرض کرد. او قصد داشت با خوراندن سم به دخترش و همچنین پایشان دادن به زندگی یافته و او را دستگیر کرد. در جریان بازجویی‌ها مناسب استفاده و قرار کرد و پلیس را در جریان گذاشت. متهم در بازجویی‌های انجام شده اعتراف کرد از سال ۲۰۰۵ یعنی زمانی که دخترش ۱۷ ساله بود، به وی تعرض می‌کرد. پلیس آفریقای جنوبی با اعلام این خبر از مردم خواست تا خنوت‌های جنسی را که در خانواده روی می‌دهد به پلیس گزارش دهند.

درگیری خونین در زندان

پلیس خبر: ونزوئلا به مرگ هشت نفر منجر شد. «جان رامون ریواس» رییس عملیات گارد ملی ونزوئلا درباره این نزاع



زمانی که شیشه مصرف کرده بودم این کار را کردم ولی یادم نمی‌آید. در ادامه هانیه وارد دادگاه شد. او که از زمان بستری شدن در بیمارستان از مادرش دور بود به غوش و رفت و مادرش را بوسید. هانیه به باز پرس آذ تاش گفت: تنها خواسته‌اش این است که نزد مادرش برگردد چون او را خیلی دوست دارد. هانیه گفت: من مادرم را خیلی دوست دارم. او

هانیه در گفت و گو با «شرق» می‌خواهم با مادرم زندگی کنم

هانیه بعد از اتمام جلسه بازجویی که دیروز در شعبه ۵ دادسرای نوجوانان برگزار شد، در گفت وگویی کوتاه با خبرنگار مادر حالی که به سختی حرف می‌زد از آرزوهایش گفت. به نظر می‌رسد خیلی بهتر شده‌ای خودت چه احساسی داری؟

در بهزیستی هستم و خاله‌های (مددکاران) بهزیستی بی‌ادبی شده بود. به هر حال من از کرده خودم پشیمان هستم و درخواست دارم هانیه من را ببخشد و دادگاه نیز در مجازات من تخفیف بدهد.»

در ادامه این جلسه مادر هانیه که به معاونت در کودک آزاری متهم شده است، آخرین دفاعیات خود را مطرح کرد و گفت: هانیه دختر من است و من هرگز دوست ندارم او آزار ببیند. در تمام این سال‌ها هایی که هانیه را بزرگ کردم، هر چند معتاد بودم و نمی‌توانستم مادر خوبی برای او باشم، تلاش می‌کردم آسیبی به او وارد نشود. این زن درباره اینکه آیا هانیه آزار آزار داده و او را سوزانده است، گفت: من این کار را نکردم و اصلا چنین چیزی را به یاد نمی‌آورم، البته شاید به

شرق: حکم قصاص هر دو چشم مجید - متهم به اسید پاشی به صورت آمنه- در حالی قرار است روز شنبه اجرا شود که وکیل مدافع او از رییس قوه قضاییه در خواست مهلت کرد. به گزارش خبرنگار ما، مجید متهم ۳۰ ساله این پرونده هفت سال قبل به جرم اسیدپاشی به صورت آمنه بهرامی بازداشت و چهار سال قبل محاکمه شد. این جوان توضیح داد: پاسخ منی آمنه به خواستگاری او باعث این اقدامش شد مجید در دادگاه گفت از کرده خود پشیمان است اما آمنه که بیبانی هر دو چشمش را به طور کامل از دست داده است بر قصاص هر دو چشم متهم تاکید کرد و گفت حاضر به بخشش نیست. به این ترتیب، مراحل مقدماتی اجرای حکم طی شد و روز شنبه هفته آینده به عنوان زمان اجرای آن تعیین شده است. مهدی ربانی وکیل مدافع مجید که مراحل قانونی این پرونده را به طور کامل پیگیری کرده است، دیروز به خبرنگار ما گفت: بعد از صدور حکم قصاص هر دو چشم از سوی شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران من به رای صادره اعتراض و در لایحه خود عنوان کردم امکان اجرای حکم وجود ندارد چون ممکن است هنگام اجرای آن آسیب بیشتری از کوری چشم به مجید وار شود و این موضوع از سوی متخصصان پزشکی قانونی هم تأیید شده است با این حال حکم صادره مورد تأیید قرار گرفته. این وکیل دادگستری ادامه داد: بعد از تأیید حکم مطابق بند ۴ و ۵ ماده ۲۷۲ تقاضای اعاده دادرسی دادم و بر ایراد رای مبنی بر اینکه امکان اجرا وجود ندارد تاکید کردم اما باز هم این تقاضا رد و پرونده برای اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادسرای جنایی تهران فرستاده شد. قاضی وقت مجید احکام در این زمینه با ما همکاری کرد و هر بار که آمنه شعبه مراجعه می‌کرد از او می‌خواست از قصاص گذشت کند. با این حال آمنه حاضر به این کار نشد. من و خانواده مجید خیلی سعی کردیم با آمنه در این خصوص صحبت کنیم اما هر بار که تلفن می‌کردیم تا صحبت کنیم این دختر به شدت عصبانی می‌شد؛ البته ما شرایط او را درک نمی‌کنیم و گلائی‌ها را خود نداریم اما می‌کاش آمنه اجازه می‌داد در مورد رضایت با او صحبت کنیم و وی



اتهام سنگین برای مامور سابق پلیس آفریقای جنوبی

پلیس خبر: یک افسر سابق پلیس در آفریقای جنوبی به اتهام تعرض چندین ساله به دخترش دستگیر شد.
متهم که ساکن منطقه «زانین» به بود پس از ربودن دختر ۲۲ ساله‌اش که نزد مادرش زندگی می‌کرد به او تعرض کرد. او قصد داشت با خوراندن سم به دخترش و همچنین پایشان دادن به زندگی یافته و او را دستگیر کرد. در جریان بازجویی‌ها مناسب استفاده و قرار کرد و پلیس را در جریان گذاشت. متهم در بازجویی‌های انجام شده اعتراف کرد از سال ۲۰۰۵ یعنی زمانی که دخترش ۱۷ ساله بود، به وی تعرض می‌کرد. پلیس آفریقای جنوبی با اعلام این خبر از مردم خواست تا خنوت‌های جنسی را که در خانواده روی می‌دهد به پلیس گزارش دهند.

درگیری خونین در زندان

پلیس خبر: ونزوئلا به مرگ هشت نفر منجر شد. «جان رامون ریواس» رییس عملیات گارد ملی ونزوئلا درباره این نزاع

هفت تیرکش ۱۱ ساله

اسوشیتدپرس: پسر ۱۱ ساله هندی در دعوا با دوستش اسلحه به دست شد. این پسر ۱۱ ساله، اسلحه پدرش را

حوادث



مادر کودک آزار دیده در آخرین جلسه باز پرس ی

من و هانیه را به بهزیستی بفرستید

هیچ وقت من را آزار نداده و هیچ وقت روی من دست بلند نکرده. حمید بسود که من را کتک می‌زد، او حتی مادرم را هم می‌زد. خیلی خشن بود. من دوستش نداشتم. چند بار به مادرم گفتم بیسا از این خانه برویم. مسا کار تن خواب بودیم و خیلی سختی می‌کشیدیم اما باز بهتر از خانه حمید بود. مادرم از حمید می‌ترسید. او هر روز مادرم را وادار می‌کرد

هانیه در گفت و گو با «شرق» می‌خواهم با مادرم زندگی کنم

هانیه بعد از اتمام جلسه بازجویی که دیروز در شعبه ۵ دادسرای نوجوانان برگزار شد، در گفت وگویی کوتاه با خبرنگار مادر حالی که به سختی حرف می‌زد از آرزوهایش گفت. به نظر می‌رسد خیلی بهتر شده‌ای خودت چه احساسی داری؟

در بهزیستی هستم و خاله‌های (مددکاران) بهزیستی بی‌ادبی شده بود. به هر حال من از کرده خودم پشیمان هستم و درخواست دارم هانیه من را ببخشد و دادگاه نیز در مجازات من تخفیف بدهد.»

در ادامه این جلسه مادر هانیه که به معاونت در کودک آزاری متهم شده است، آخرین دفاعیات خود را مطرح کرد و گفت: هانیه دختر من است و من هرگز دوست ندارم او آزار ببیند. در تمام این سال‌ها هایی که هانیه را بزرگ کردم، هر چند معتاد بودم و نمی‌توانستم مادر خوبی برای او باشم، تلاش می‌کردم آسیبی به او وارد نشود. این زن درباره اینکه آیا هانیه آزار آزار داده و او را سوزانده است، گفت: من این کار را نکردم و اصلا چنین چیزی را به یاد نمی‌آورم، البته شاید به

شرق: حکم قصاص هر دو چشم مجید - متهم به اسید پاشی به صورت آمنه- در حالی قرار است روز شنبه اجرا شود که وکیل مدافع او از رییس قوه قضاییه در خواست مهلت کرد. به گزارش خبرنگار ما، مجید متهم ۳۰ ساله این پرونده هفت سال قبل به جرم اسیدپاشی به صورت آمنه بهرامی بازداشت و چهار سال قبل محاکمه شد. این جوان توضیح داد: پاسخ منی آمنه به خواستگاری او باعث این اقدامش شد مجید در دادگاه گفت از کرده خود پشیمان است اما آمنه که بیبانی هر دو چشمش را به طور کامل از دست داده است بر قصاص هر دو چشم متهم تاکید کرد و گفت حاضر به بخشش نیست. به این ترتیب، مراحل مقدماتی اجرای حکم طی شد و روز شنبه هفته آینده به عنوان زمان اجرای آن تعیین شده است. مهدی ربانی وکیل مدافع مجید که مراحل قانونی این پرونده را به طور کامل پیگیری کرده است، دیروز به خبرنگار ما گفت: بعد از صدور حکم قصاص هر دو چشم از سوی شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران من به رای صادره اعتراض و در لایحه خود عنوان کردم امکان اجرای حکم وجود ندارد چون ممکن است هنگام اجرای آن آسیب بیشتری از کوری چشم به مجید وار شود و این موضوع از سوی متخصصان پزشکی قانونی هم تأیید شده است با این حال حکم صادره مورد تأیید قرار گرفته. این وکیل دادگستری ادامه داد: بعد از تأیید حکم مطابق بند ۴ و ۵ ماده ۲۷۲ تقاضای اعاده دادرسی دادم و بر ایراد رای مبنی بر اینکه امکان اجرا وجود ندارد تاکید کردم اما باز هم این تقاضا رد و پرونده برای اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادسرای جنایی تهران فرستاده شد. قاضی وقت مجید احکام در این زمینه با ما همکاری کرد و هر بار که آمنه شعبه مراجعه می‌کرد از او می‌خواست از قصاص گذشت کند. با این حال آمنه حاضر به این کار نشد. من و خانواده مجید خیلی سعی کردیم با آمنه در این خصوص صحبت کنیم اما هر بار که تلفن می‌کردیم تا صحبت کنیم این دختر به شدت عصبانی می‌شد؛ البته ما شرایط او را درک نمی‌کنیم و گلائی‌ها را خود نداریم اما می‌کاش آمنه اجازه می‌داد در مورد رضایت با او صحبت کنیم و وی



پنج قاره

خونین که در زندنتی در منطقه «تاجیرا» رخ داد، گفت: «این درگیری بین تعدادی از اعضای یک باند با اعضای باند دیگر برای کنترل ندانگاه رخ داد و هر هشت نفر بر اثر ضربات چاقو از پا درآمدند. کشته‌شدگان در این درگیری به جرم قتل، سرقت وسایل نقلیه و حمل و سلاح‌های ارتش به زندان محکوم بودند.»

۱۵ کشته و مجروح در آتش سوزی

شسینگو: وقوع یک آتش سوزی در شمال روسیه پنج کشته و ۱۰ مجروح در پی داشت. به گفته کارشناسان آتش نشانی، آتش از فروشگاه‌ای که در طبقه همکف یک ساختمان پنج طبقه در شهر سامارا قرار داشت، شروع شد و به طبقات دیگر گسترش یافت. علت وقوع این حادثه اتصال در سیم‌های برق فروشگاه عنوان شده است.

هفت تیرکش ۱۱ ساله

اسوشیتدپرس: پسر ۱۱ ساله هندی در دعوا با دوستش اسلحه به دست شد. این پسر ۱۱ ساله، اسلحه پدرش را

به گدایی پرود و برایش پول بی‌آورد. در این هنگام مادر هانیه در تأیید گفته‌های دخترش گفت: در این مدت چند بار با خانواده پدری‌ام تماس گرفتم و از آنها خواستم از هانیه مراقبت کنند. حمید هم همین را به آنها گفت اما توجهی نکردند و گفتند اصلا حاضر نیستند من را ببذیرند، هر چه گفتم من خودم به آستار ابرنمی‌گردم و شما فقط هانیه را نگه دارید- گفت توجهی نکردند. مادر هانیه ادامه داد:

قسم می‌خورم از هانیه خوب مر اقبیت کنم. فقط اجازه دهید من در بهزیستی کنار او باشم. قول می‌دهم اگر سرنمایی داشته باشم به سمت اعتیاد نروم، من و هانیه را در بهزیستی نگه دارید. من هم مثل همه زن‌ها احساس مادرانه دارم و به دخترم آسیبی نمی‌رسانم. اگر در بهزیستی باشیم این اتفاق نمی‌افتد.» بنا بر این گزارش رفعت و حمید بعد از پایان این جلسه به زندان و هانیه به بهزیستی بازگردانده شد. بعد از این جلسه از نیا جعفری مددکار هانیه که همراه او به دادسرا آمده بود، درباره این پرونده به خبرنگار ما گفت: آن روز که هانیه را تحویل گرفتم ساعت پنج بعد از ظهر بود که توانستم بعد از چندین روز جست‌وجو ناپدری را پیدا کنیم. در کلانتری که او را خواش کردم جای هانیه را بگوید، حرفی نزد. به او التماس کردم، گفتم قسم می‌خورم با تو کاری نداشته باشیم، تو را به خدا جانم آن دختر را به من بگو، جان هانیه در خطر است ولی باز هم جواب نداد، گفت دستش را بسته‌اند، پول مواد هم ندارد و در حالت عادی نیست و نمی‌تواند حرف بزند. او از ما پول می‌خواست، می‌گفت پول مواد را بدهید تا خواصم سر جایش بیاید. جعفری در حالی که بغض کرده بود، ادامه داد:

جلسه به زندان و هانیه به بهزیستی بازگردانده شد. بعد از این جلسه از نیا جعفری مددکار هانیه که همراه او به دادسرا آمده بود، درباره این پرونده به خبرنگار ما گفت: آن روز که هانیه را تحویل گرفتم ساعت پنج بعد از ظهر بود که توانستم بعد از چندین روز جست‌وجو ناپدری را پیدا کنیم. در کلانتری که او را خواش کردم جای هانیه را بگوید، حرفی نزد. به او التماس کردم، گفتم قسم می‌خورم با تو کاری نداشته باشیم، تو را به خدا جانم آن دختر را به من بگو، جان هانیه در خطر است ولی باز هم جواب نداد، گفت دستش را بسته‌اند، پول مواد هم ندارد و در حالت عادی نیست و نمی‌تواند حرف بزند. او از ما پول می‌خواست، می‌گفت پول مواد را بدهید تا خواصم سر جایش بیاید. جعفری در حالی که بغض کرده بود، ادامه داد: ناپدری هانیه به ما گفت هانیه از پیش او رفته و حتما دوباره به خانه خواب شده. او به من گفت بروید لای کار تن‌ها دنبال او بگردید. گفتم تمام شب را حاضرم با تو در خیابان دنبال هانیه بگردم فقط بگو حدودا کجاست. او سکوت کرد و در نهایت با ترنده‌های خاص و کمک دیگران هانیه پیدا شد. وقتی هانیه را در خانه دیدیم جالش بسیار بد بود، اگر دیرتر می‌رسیدیم شاید این دختر می‌مرد. این مددکار در ادامه گفت: دفعه اول که به خانه حمید رفتم در راه به روی ما باز نمی‌کرد. وقتی در راباز کرد، همکاران من را هل داد و با فحاشی به درگیر شدن سعی کرد آنها را دور کند و در نهایت با دخالت مأموران بود که توانستیم او را به کلانتری منتقل کنیم. متهم مدعی است که همکاران من کارت شناسایی نداشتند، در حالی که همه ما کارت‌های شناسایی‌مان را به گردن‌مان آویزان می‌کنیم و ولباس مخصوص اورژانس اجتماعی را به تن می‌کنیم. ما موظف به این کار هستیم.

او در مورد خانواده مجید نیز گفت: مادر مجید بیشترین آسیب را از اجرای این حکم خواهد دید چون او یک فرزند بیمار دارد و نگهداری از او به اندازه کافی این زن را از می‌دهد حال تصور کنید مجید نابینا و مادرش مجبور به نگهداری از یک فرد معلول دیگر که در سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۷ رخ داد، موجب شد که قانون گذار اقدام به سه تصویب ماده واحده برای خصوص اسیدپاشی کند که بر اساس آن: «هر کس عمدا با پاشیدن اسید یا هر نوع تر کبیات شیمیایی دیگر موجب قتل کسی بشود به مجازات اعدام و اگر موجب مرض دائمی با قاتلان یکی از حواس مجنی علیه گردد به حبس جنایی درجه یک و اگر موجب قطع یا نقصان یا گاز اافتان عضوی از اعضا بشود به حبس جنایی درجه دو و از ۱۰ سال و اگر موجب صدمه دیگری بشود، به حبس جنایی درجه دو و تا پنج سال محکوم خواهد شد.» درباره قسمت اول این ماده با عنایت به اینکه در قانون مجازات اسلامی مجازات قتل عمد قصاص است؛ می‌توان گفت این قانون نسخ شده است؛ اما در مورد قصص‌های بعدی این ماده می‌توان قابل به پایرجابون این قانون بود.

تاقبیل از آغاز دهه ۸۰ کمتر پرونده اسیدپاشی را می‌توان مشاهده کرد که منجر به قصاص شده باشد. علت دو چیز بود: ۱- عدم پیش‌بینی قصاص در این ماده واحده ۲- محدودیت‌های قانونی در اجرای قصاص عضو. همانطور که ماده ۲۷۲ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: در قصاص عضو علاوه بر شرایط قصاص نفس شرایط زیر باید رعایت شود: ۱- تساوی اعضا در سالم بودن. ۲- تساوی در اصلی بودن اعضا. ۳- تساوی در محل عضو موجب تلف جانی یا عضو دیگر نباشد. ۵- قصاص بیشتر از اندازه جانیات نشود... تا مدت‌ها براساس بند پنج ماده ۲۷۲ که اشاره به این مطلب دارد که قصاص نباید از اندازه جانیات بیشتر شود، محاکم حکم به قصاص نمی‌دادند و قصاص به پرداخت دیه تبدیل می‌شد. استدلال این بود که نمی‌توان به طور دقیق میزان جبران و قصاص را در اسیدپاشی تعیین و دقیقاً برابر آن اقدام به قصاص کرد. این دیدگاه به نوعی در پرونده اسیدپاشی به دو خواهر بی‌گناه در سال ۱۳۷۸ تغییر کرد. در آن پرونده که با واکنش شدید روسای جمهوری و قوه قضاییه وقت روبه‌رو شد، درباره کردن شدن چشم حکم به قصاص داده و درباره سایر سوختگی‌ها به استناد همان بند پنج ماده ۲۷۲ حکم به پرداخت دیه صادر شد. مطمئنا بر خود این جرم باز هم نیاز به شجاعت و رعایت مصالح عمومی دارد اما متناسب کردن مجازات این جرم بتوان احاد امکان جلوگیری از این حوادث ناگوار را احاد امکان گرفت.

■ حقوق‌دان و استاد دانشگاه - بیفزاید، وی که به پیشتر در ارتش خدمت می‌کرد، هر دوی پهای خود را به علت مسمومیت دست‌هایش حرکت می‌کند. او در ۱۰ سال گذشته، سه هزار درخت در نقاط کوهستانی و صعب‌العبور شمال چین کاشته و جنگل استان هبی را بازسازی کرده است.

مرد معلول، جنگل را باز سازی کرد

واحد مرگزی خبر: یک مرد بدون پا در چین، جنگلی را در استان هبی این کشور احیا کرد. این مرد ۶۲ ساله که سال‌ها ناتوان، نام دارد می‌گوید در ۲۰ سال گذشته هفت بار عمل جراحی شده ولی خم به ابرو نیاورده اما وقتی می‌بیند درختان جنگل قطع می‌شوند، دلش به درد می‌آید و او با شش جاری را به جامعه بیاموزد و یاد بدهد. لاشی به کرد در دیدن درختان، دشواری‌های زندگی را فراموش می‌کند و همه تلاشش را نیز به کار می‌گیرد تا بر شمار درختان این جنگل - که وی درختان آن را سربازان خود می‌پندارد - بیفزاید، وی که به پیشتر در ارتش خدمت می‌کرد، هر دوی پهای خود را به علت مسمومیت دست‌هایش حرکت می‌کند. او در ۱۰ سال گذشته، سه هزار درخت در نقاط کوهستانی و صعب‌العبور شمال چین کاشته و جنگل استان هبی را بازسازی کرده است.

بیمارستانی منتقل شدند.

نگاه

نگاهی به احکام پرونده‌های اسیدپاشی

محمدرضا رحمت*

■ لحظات به سرعت برای اسیدپاشی که با اقدام بی‌رحمانه خود موجب نابودی زندگی و آینده یک بی‌گناهی شده بود، گذشت و زمان اجرای حکم برای وی فرا رسید. این فرد طلوع خورشید را در روزهای آتی نخواهد دید، همانطور که قربانی‌اش را مدت‌ها از این نعمت محروم کرده است. نگاهی به گذشته این عمل مجرمانه در ایران حوادث تلخی را به یاد می‌آورد... هماناز کاظمی به دلیل دادن دادخواست طلاق، توسط شوهرش مورد حمله اسیدپاشی قرار گرفت. او ۲۱ بار صورتش را عمل جراحی کرده و پزشکان برای ساختن بینی یک ماه دست‌پوی را به صورتش وصل کرده بودند. او اکنون به صورت ناشناس با دو دختر خردسالش در محلی مخفی زندگی می‌کند. آمنه بهرامی، مهندس الکترونیک است که بعد از حادثه اسیدپاشی، با وجود ۱۷ بار عمل جراحی، بینایی و پوست صورتش را از دست داد. خواستگار او به دلیل نشنیدن «جواب نه» به صورت آمنه اسیدپاشید. سارا، دختری ۲۶ ساله بود که مردی موتورسوار در خیابان راه را او بست و بر صورتش اسید پاشید. سارا به بیمارستان منتقل شد اما در گذشت. انگیزه اسیدپاشی و هویت موتورسوار قاش نشد...

شاید به طور قطع بتوان گفت اسیدپاشی به نوعی از بسیاری از موارد قتل عمد نیز فیجیع تر است و از فسادت قلب بیشتری حکایت دارد. در بسیاری از پرونده‌های قتل، قاتل به دلیل یک لحظه هیجان و عدم توانایی در کنترل خود با ضربه‌ای که به طرف خود وارد می‌آورد، مرد مرتکب قتل وی می‌شود؛ اما در اسیدپاشی مساله کاملا متفاوت است. در این جرم با فردی روبه‌رو هستیم که با سبق تصمیم مجرمانه اقدام به تهیه وسیله مجرمانه، که در اکثر موارد در اختیار عموم نیز نیست، می‌کند و با آن حداقل یک یا دو حوس طرف خود را از بین می‌برد. در این حالت رنج و عذاب جبران نشدنی بر قربانی وارد می‌آید. در اسیدپاشی معمولاً به ندرت خود استفاده از آه و فرار و نجات نیز برای قربانی پیش از اقدام مرتکب وجود ندارد... به‌رغم مطالب فوق، تا مدت‌ها محاکم قصاص برای مرتکبان اسیدپاشی وجود نداشت و این افراد معمولاً به زندان‌های کوتاه‌مدت و پرداخت دیه محکوم می‌شدند. قطعاً این مجازات برای حل شدن جز جز بدن با اسید در حالی که قربانی آن زنده است و به هوش، کافی به نظر نمی‌رسد. لحظه‌ای خود را به جای قربانیان این جرم، که اکثرآ خاتمه‌ها هستند، بگذراند... چقدر سوختن با اسید در دناک است و پس از آن چرخ زندگی را چرخاندن با معلولیت شدید، وقتی از سوی مسؤولان و مردم فراموش شده‌ای و آدم‌های اطرافت حتی طلاق نگه کردن به صورتت را هم ندارند، چه دشوار است. نگاهی به گذشته نشان می‌دهد این پدیده شوم از سال‌های ۱۳۳۴ رواج پیدا کرد و در ابتدا یکی از قربانیان آن را یکی از ققات دادگستری تشکیل می‌داد. مرتکب جرم کسی بود که توسط آن قاضی به حبس محکوم شده بود. ضابط‌ها به بدنی هولناکی که در سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۷ رخ داد، موجب شد که قانون گذار اقدام به سه تصویب ماده واحده برای خصوص اسیدپاشی کند که بر اساس آن: «هر کس عمدا با پاشیدن اسید یا هر نوع تر کبیات شیمیایی دیگر موجب قتل کسی بشود به مجازات اعدام و اگر موجب مرض دائمی با قاتلان یکی از حواس مجنی علیه گردد به حبس جنایی درجه یک و اگر موجب قطع یا نقصان یا گاز اافتان عضوی از اعضا بشود به حبس جنایی درجه دو و از ۱۰ سال و اگر موجب صدمه دیگری بشود، به حبس جنایی درجه دو و تا پنج سال محکوم خواهد شد.» درباره قسمت اول این ماده با عنایت به اینکه در قانون مجازات اسلامی مجازات قتل عمد قصاص است؛ می‌توان گفت این قانون نسخ شده است؛ اما در مورد قصص‌های بعدی این ماده می‌توان قابل به پایرجابون این قانون بود.

تاقبیل از آغاز دهه ۸۰ کمتر پرونده اسیدپاشی را می‌توان مشاهده کرد که منجر به قصاص شده باشد. علت دو چیز بود: ۱- عدم پیش‌بینی قصاص در این ماده واحده ۲- محدودیت‌های قانونی در اجرای قصاص عضو. همانطور که ماده ۲۷۲ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: در قصاص عضو علاوه بر شرایط قصاص نفس شرایط زیر باید رعایت شود: ۱- تساوی اعضا در سالم بودن. ۲- تساوی در اصلی بودن اعضا. ۳- تساوی در محل عضو موجب تلف جانی یا عضو دیگر نباشد. ۵- قصاص بیشتر از اندازه جانیات نشود... تا مدت‌ها براساس بند پنج ماده ۲۷۲ که اشاره به این مطلب دارد که قصاص نباید از اندازه جانیات بیشتر شود، محاکم حکم به قصاص نمی‌دادند و قصاص به پرداخت دیه تبدیل می‌شد. استدلال این بود که نمی‌توان به طور دقیق میزان جبران و قصاص را در اسیدپاشی تعیین و دقیقاً برابر آن اقدام به قصاص کرد. این دیدگاه به نوعی در پرونده اسیدپاشی به دو خواهر بی‌گناه در سال ۱۳۷۸ تغییر کرد. در آن پرونده که با واکنش شدید روسای جمهوری و قوه قضاییه وقت روبه‌رو شد، درباره کردن شدن چشم حکم به قصاص داده و درباره سایر سوختگی‌ها به استناد همان بند پنج ماده ۲۷۲ حکم به پرداخت دیه صادر شد. مطمئنا بر خود این جرم باز هم نیاز به شجاعت و رعایت مصالح عمومی دارد اما متناسب کردن مجازات این جرم بتوان احاد امکان جلوگیری از این حوادث ناگوار را احاد امکان گرفت.

■ حقوق‌دان و استاد دانشگاه

در خانواده ، جوان معتاد دارید؟

«مرهم» را در سینماها ببینید!